

عنوان مقاله:

بررسی رابطه بین جهت گیری مذهبی و سازگاری اجتماعی با گرایش به فرار از منزل در دختران دانش آموز مقطع متوسطه اول شهرستان دزفول در سال تحصیلی 97 - 98

محل انتشار:

دومین کنگره سالیانه کشوری دانشجویی طبری و بیست و دومین کنگره سالیانه کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مازندران (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 1

نویسندگان:

فاطمه پورسجادی - دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، تهران، ایران

عارف بلنده - دانشجوی کارشناسی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دزفول، دزفول، ایران

فردوس پلارک - مربی، کارشناس ارشد گرایش کودکان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دزفول، دزفول، ایران

زهرا پورعابد - دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

سابقه و هدف: پدیده فرار از منزل به معنای غیبت از خانه به مدت حداقل یک شب و بدون رضایت والدین یا سرپرست قانونی فرد، که از جمله رفتارهای نا سازگارانه ای است که از کودکان و نوجوانان به ویژه دختران سر می زند که همواره توجه متخصصان علوم روانی و اجتماعی را به خود معطوف داشته است و امروزه به یکی از آسیب های خانوادگی و اجتماعی جامعه که می تواند بهداشت روانی فرد و جامعه را تحت تاثیر قرار بدهد، شناخته می شود. از آنجایی که مذهب تاثیر بسیار قابل توجهی در بسیاری از جنبه های زندگی افراد دارد می تواند به عنوان یک اصل وحدت بخش و یک نیروی عظیم برای سازگاری اجتماعی و عاطفی کمک کننده باشد. لذا هدف کلی این پژوهش تعیین رابطه بین جهت گیری مذهبی و سازگاری اجتماعی با گرایش به فرار از منزل در دختران دانش آموز مقطع متوسطه اول شهرستان دزفول در سال تحصیلی 97-98 می باشد. مواد و روش ها: این مطالعه تحلیلی مقطعی در 6 ماهه اول سال تحصیلی 97 - 98 انجام و 230 دانش آموز دختر مقطع متوسطه اول به روش تصادفی خوشه ای مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه مشخصات فردی و 3 پرسشنامه استاندارد گرایش به فرار از منزل، جهت گیری مذهبی (بهرامی احسان، 1380)، سازگاری اجتماعی دانش آموزان (سینگ و سینگ ها) بود. داده ها با استفاده از آزمون های توصیفی و تحلیلی میانگین، تحلیل واریانس و ضریب همبستگی پیرسون با نرم افزار SPSS16 تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها: میانگین سنی دانش آموزان مورد مطالعه $14/02 \pm 0/96$ سال و با میانگین معدل $17/64 \pm 1/34$ و میانگین تعداد فرزند خانواده $3/4 \pm 2/03$ همچنین میانگین نمره گرایش به فرار از منزل $29/82 \pm 1/82$ (میزان متوسط) و سازگاری اجتماعی دانش آموزان $41/98 \pm 6/41$ (میزان بالا) و جهت گیری مذهبی $71/8 \pm 10/58$ (میزان بالا) بود. بین سن و معدل با هر 3 متغیر همبستگی معنی داری یافت نشد ($P > 0/05$). بین تعداد فرزندان با گرایش به فرار از منزل همبستگی معکوس و معنی دار مشاهده گردید ($P < 0/05$; $r = -0/90$). بین نمره جهت گیری مذهبی با گرایش به فرار از منزل (120) ($P < 0/05$; $r = 0/239$) و سازگاری اجتماعی ($P < 0/05$; $r = 0/239$) همبستگی مستقیم و معنی داری مشاهده گردید. بین نمره سازگاری اجتماعی با تمایل به فرار همبستگی معنی داری یافت نشد ($P > 0/05$). نتیجه گیری: طی یافته های حاصل از پژوهش، دانش آموزان دارای خانواده های کم جمعیت بیشترین تمایل به فرار از منزل را داشتند. همچنین با افزایش معنویت، سازگاری اجتماعی بیشتر و تمایل کمتری به فرار از منزل از خود نشان می دادند. لذا پیشنهاد پژوهشگران به وزارت آموزش و پرورش کشور که بیشترین تاثیر را در آموزش به دانش آموزان برعهده دارد این است که تا با افزایش سطح آگاهی و تقویت روحیه مذهبی در دانش آموزان به ویژه دختران نقش خود را در کاهش بزهکاری های اجتماعی کشور ایفا کنند. همچنین لازم است خانواده ها تا حد ممکن از تک فرزند و دو فرزندآوری خودداری کنند.

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/956581>

